

نهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی

در 27 خرداد 1384 نهمین دوره انتخابات جمهوری اسلامی برگزار شد. نتیجه این انتخابات برای دو گروه یکی اصلاح طلبان جمهوری اسلامی و دیگری تحریم کننده گان آن مایوس کننده بود. شکست این دو گروه که ضرورتاً وجه اشتراک زیادی باهم نداشتند، به علت مهارت سیاسی فقهاتی ها و اشکالانی بود که در برنامه سیاسی خود داشتند. کستخا فقهاتی ها در تقلب و تحمیل اراده خود به بقایای دوم خردادی ها ناشی از 8 سال تسلیم پذیری آنها بود. تحریم کنندگان انتخابات بطور کلی از شخصیت ها، گروه ها، و حزب هایی تشکیل شده اند که موجودیت جمهوری اسلامی را نمی پذیرند و آن را غیر قانونی میدانند و طیف وسیع سیاسی را شامل میشوند. در میان تحریم کننده گان، سلطنت طلب ها، کمونیست ها، جبهه ملی ها، و دوم خردادی ها دیده میشوند که مشخصه عمده آنها نداشتن سازمان بزرگی است که برای مردم ایران نیروی جاذبه سیاسی داشته باشد.

نتیجه اعلان شده انتخابات گویای آشکار تقلب دوم فقهاتی ها و شورای نگهبان است بعد از تقلب اول که دست چین کردن انتخاب شوندگان بود. برای روشن شدن این موضوع جواب دادن به یک سؤال در این انتخابات مهم است و آن این است که، کدام بخش هایی از مردم در این انتخابات شرکت کردند و به چه منظور؟ صرفنظر از عناصر حزب الهی و مومنین اسلام فقهاتی و زیارتی ها بقیه رای دهندگان رای خود را برای کوتاه کردن هرچه بیشتر دست حزب اله از قدرت اجرایی دولت به صندوق های رای ریخته اند. شش انتخاب شورای نگهبان برای مردم، تجزیه تحلیل ها و گمان زنی های خاصی را در میان مردم ایجاد کرد. دو حزب الهی اصلاح طلب که توسط خامنه ای فقیه به شورای نگهبان تحمیل شد بیشتر بخاطر آوردن رای دهندگان به پای صندوق های رای بود تا تعداد رای دهندگان را دلیل قانونی بودن انتخابات نشان دهد. چهار نامزد بسیجی و پاسدار که یکی از آنها در آخرین روزهای مانده به انتخابات نامزدی خود را پس گرفت انتخاب های خامنه ای برای رئیس جمهوری بودند. رفسنجانی و کروی دو انقلابی کهنه کار که در مبارزه قدرت نفوذ خود را در رژیم به نفع خامنه ای از دست داده اند بخش هایی از شیعه سیاسی را نمایندگی میکنند که در گروه خامنه ای نیستند. معین و مهر علیزاده دو اصلاح طلبی که با لطف و زیرکی سیاسی خامنه ای اجازه نامزدی خود را بدست آوردند طبقه متوسط و تحصیل کرده را به پای صندوق های رای کشیدند که بدون آنها در رای گیری اسلامی شرکت نمی کردند. چنانچه این دو اصلاح طلب حزب الهی در رای گیری شرکت نمیکردند تحریم کنندگان انتخابات بدون شک به مراتب موفق تر میشدند.

بنابراین نهمین انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی بیشتر از هر چیز در باره تعداد رای دهندگان بود و شورای نگهبان و خامنه ای نامزدهای را برای مردم انتخاب کردند که بزرگترین طیف سیاسی حزب الهی را در بر میگرفت. به نظر میرسد رفسنجانی از این انتخابات احساس خطر قابل ملاحظه ای کرده بود که خود را نامزد رئیس جمهوری کرده بود که ناشی از کودتای خامنه ای بر علیه سایر مراکز قدرت بود که دست او را برای دیکتاتوری او می بست. بنابر آمار اعلان شده انتخابات که نمیتواند نتیجه آرای واقعی مردم باشد، بعلت نبودن ناظران بیطرف برای اداره رای گیری، رفسنجانی و احمدی نژاد با کمی اختلاف 12 میلیون رای آورده اند و نفر اول و دوم شدند. رای دهندگان بنابر تجربه آخرین انتخابات مجلس اراده بخش افراطی حزب اله را برای کنترل قدرت اجرایی رئیس جمهوری اجرا میکردند. کروی که بخش مخالف خامنه ای را در میان شیعه سیاسی نمایندگی میکرد و در گذشته بیشتر با اصلاح طلب ها در مجلس همکاری میکرد بیش از 5 میلیون رای آورد. دو نامزد دیگر خامنه ای از سپاه فالیباف و لاریجانی کمتر از شش میلیون رای آوردند. دو نامزد اصلاح طلب معین و علیزاده کمتر از 5.5 میلیون رای آوردند. بنابراین گروه مخالف خامنه ای یعنی رفسنجانی، کروی، معین، علیزاده نزدیک به 17 میلیون رای آوردند در مقابل 12 میلیون رای برای سه نفر انتخاب خامنه ای.

کروی جسورانه و آشکاراً به تقلب در انتخابات به نفع احمدی نژاد اعتراض کرد و انتخابات را غیر قانونی اعلان کرد. همینطور معین اصلاح طلب معتقد بود که به ضرر او و به نفع احمدی نژاد تقلب شده است. شگفت آور اینجا بود که حتی در تهران احمدی نژاد بیشتر از معین رای آورده بود. بازنده ها سپاه و بسیج را متهم میکردند که علاوه بر جهت دادن به رای مردم در مناطق روستایی و شهرهای کوچک در خواندن رای ها به نفع نامزدهای بسیج و سپاه تقلب کرده اند. از آنجا که نتایج رای گیری با خواست فقیه و شورای نگهبان بطور باورنکردنی هماهنگ بود. تقسیم رای در میان نامزدهای انتخابی دل بخواه و تعیین شده برای پیشبرد برنامه های فقهاتی ها دیده میشود. اعتراض شدید کروی به نتایج رای گیری و درخواست تغییر آن خیلی زود فروکش کرد و

معین اصلاح طلب به انتشار بیانیه اعتراض آمیز بسنده کرد. رفسنجانی از اعتراض کروی برای تقلب در رای گیری حمایت کرد اما نه به آن شدت که از انتخابات دور دوم خود را بیرون بکشد و انتخابات را با بحران روبرو کند. سرشت رژیم اسلامی در میان بنیانگذاران و پاسداران آن در مشورت و تحمیل است، اما در نهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی بیشتر تحمیل بود تا مشورت. بدون شک اطاعت و تقلید از دسته فقیه در دور دوم انتخابات در میان مومنان فقهانی پس از اعلان انتخاب احمدی نژاد توسط فقیه پذیرش ایمانی داشت. اعتقاد و ایمان اصلاح طلبان رژیم اسلامی و مخالفان آن به درستی انتخابات و آخرین تلاش های آنها برای نجات دستگاه اجرایی رئیس جمهوری از دست فقهانی ها با رای دادن به رفسنجانی رقیب خامنه ای با تقلب وسیع فقهانی ها از بین رفت. از آنجا که طبقه حاکمه ملا و حزب الهی به موقعیت خود واقف اند و تمام بخش های آن چه در موضع قدرت و یا ضعف میدانند سرنوشت سیاسی شان به هم گره خورده است، چند روز پس از پایان انتخابات بازندگان کینه کلاه برداری انتخابات را به فراموشی سپردند و خواستار همبستگی و همکاری با دولت احمدی نژاد شدند و تصفیه حساب ها را به آینده موکول کردند تا رژیم اسلامی را متزلزل نکنند.

تقلب آشکار فقهانی ها بر ضد اصلاح طلبان رژیم اسلامی و دیگر مراکز قدرت رژیم نتایج تعیین کننده ای در بر خواهد داشت و توازن نیروهای سیاسی را تغییر خواهد داد. در میان مردمی که با عقل خود رای میدهند تا ایمان و انطباق فقهانی خود و از رای خود استفاده میکنند تا از خشونت اجتماعی حزب اله با توانا کردن دست اصلاح طلبان رژیم بکاهند، بی ایمانی به انتخابات اسلامی بیشتر خواهد شد. بخشی از فعالان سیاسی اصلاح طلب رژیم به دشمنان رژیم تبدیل خواهند شد و بخش دیگر به یاس سیاسی دچار خواهند شد و شیعه سیاسی را ترک خواهند کرد. کینه و نفرت در میان بازماندگان رهبران حزب الهی انقلاب 57 ریشه دار خواهد شد و جنگ قدرت در میان آنها ادامه خواهد یافت و احتمالاً "بعضی از آنان کاملاً" مانند منتظری از گردنه قدرت بیرون خواهند افتاد. تغییر بنیادی در رژیم اسلامی تنها با مرگ و یا سقوط فقیه خامنه ای و شورای نگهبان اتفاق خواهد افتاد. تا وقتی که شخصیت و یا شخصیت های سیاسی غیر مذهبی جذاب در چارچوب حزب نیرومند پدیدار نشود که بتوان نیروهای مترقی و پیشرو مردمی را جذب کند و هموارد نیروی سیاسی شیعه بشود، نقشه نیروهای سیاسی غیر مذهبی در ایران ناچیز خواهد بود.

شیفتگی حزب الهی احمدی نژاد به احتمال زیاد تعیین کننده برنامه های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی او خواهد بود. از این پس در بین دستگاه فقیه و دولت یکدستی بیشتری مشاهده خواهد شد. مشکل بتوان تصور کرد که اختلافاتی که خاتمی با خامنه ای داشت در دولت احمدی نژاد و فقیه پیش بیاید. آینده نشان خواهد داد که تا چه مقدار رئیس جمهور و همکارانش در مقابل فقیه استقلال رای خواهند داشت. از آنجا که مردم مغلوبین فاتحان اسلامی ایران هستند، شدت گرفتن تحمیل هنجارهای اجتماعی اسلامی، مهاجرت انبوه دیگر مردم را به خارج بدنبال خواهد داشت که بیشتر در میان نخبگان و تحصیل کرده ها خواهد بود و رژیم اسلامی را بیشتر به لایه های بیسواد، کم سواد، و بدسواد متکی خواهد کرد که آثار آن در مدیریت و اقتصاد پدیدار خواهد شد.

انتخاب احمدی نژاد در دنیا با سردی و بی اعتنائی روبرو شد و او به گروگان گیری در سفارت آمریکا و دست داشتن در قتل عبدالله قاسملو و سایر قتل های سیاسی در اروپا متهم شد. سابقه احمدی نژاد در سازمان های جنگجویان حزب الهی مانند بسیج و سپاه و وابستگی او به بخش اطلاعاتی این دو سازمان بدبینی بیشتر اروپا و آمریکا را برانگیخته است. از نظر آمریکا و اروپا انتخاب احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران کمکی به مذاکرات حساس اتمی رژیم اسلامی و اروپا نخواهد کرد و مخالفت های مخفیانه خاتمی با فقیه دیگر وجود نخواهد داشت. و اروپا و آمریکا خود را برای رودر روی با رژیم مهاجم اسلامی آماده میکنند و دلسردی آنها از انتخاب احمدی نژاد ناشی از تصمیم های سختی است که آنها ناچارند در مقابل جمهوری اسلامی بگیرند. بی اعتنائی جهانی به انتخاب احمدی نژاد و اتهامات به او آنچنان بود که سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی بشدت به آن اعتراض کرد و از کشورهای خارجی خواست که به احمدی نژاد برای انتخاب شدنش به ریاست جمهوری اسلامی تبریک بگویند و البته این درخواست نیز با بی اعتنائی روبرو شد.

انتخابات برای جمهوری اسلامی از روز اول تاسیس آن برای این بوده است که به حزب اله قانونیت مردمی بودن را بدهد و به آن اجازه دهد مخالفان سیاسی خود را که ضرورتاً "اقلیت و یا اکثریت نیستند تحت تعقیب قرار دهد، مانند هر دیکتاتوری تاریخ معاصر جهان. برای دیکتاتوری رژیم اسلامی تقلب، دروغ گویی، و کلاه برداری در

انتخابات ریاست جمهوری کاملاً" مشروع است. رژیم اسلامی به رهبری ولایت فقیه، شورای نگهبان، و نیروهای اجرایی بسیج و سپاه از آغاز تا پایان انتخابات رئیس جمهوری را برنامه ریزی کردند و بیشتر از هر وقت نه تنها نیروهای غیره مذهبی و مذهبی های بازرگانی را کنار گذاشتند بلکه این بار به خودی های خیلی خودی هم نارو زدند (رفسنجانی و کروبی). با رئیس جمهور شدن احمدی نژاد، رژیم اسلامی بخاطر جاه طلبی های اتمی و منطقه ای خود وقتی با غرب درگیر میشود که از کمترین پایگاه مردمی برخوردار است و غرب بیشتر از هر زمان به آن بی اعتماد است. رژیم اسلامی بسوی آخرین مصیبت سیاسی برای مردم ایران پیش میرود که ناشی از تحمیل خود به خاورمیانه و غرب است. تنها راه نجات مردم ایران از آسیب های بزرگ رودر رویی رژیم اسلامی با غرب این است که مردم ایران تحت هیچگونه شرایطی پشت سر جمهوری اسلامی قرار نگیرند تا اعتماد به نفس حزب اله را ویران کنند، تحریم انتخابات موقعیت خوبی بود که مردم از دست دادند، اما فرصت های دیگری پیش خواهد آمد که مردم نشان دهند تحت هیچ شرایطی پشت سر جمهوری اسلامی قرار نخواهند گرفت که محکوم کردن اتمی شدن حزب اله یکی از آنها است.

کامبیز باسطوت

info@iranpolitics.org